

تحلیل مضمون سیاست‌های اقتصاد خانواده در ایران

سیده اشرف موسوی لقمان* علیرضا معینی** عطاءالله رفیعی آتانی***

چکیده

یکی از موضوعات اصلی تحقیق در علوم اجتماعی که به تحلیل‌های اقتصادی وارد شده، نهاد خانواده است. در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاران به مسئله‌ی سیاست‌گذاری خانواده، با پشتوانه‌ی عقلانیت‌محور بازار و به دلیل درک اهمیت خانواده در تحرک موتور اقتصاد، به‌طور ویژه توجه کرده‌اند. البته در دیدگاه اسلامی، از آنجایی که دولت ماهیت تربیتی دارد، به‌جای تأکید بر برنامه‌های توسعه، برنامه‌هایی برای تکامل خانواده و جامعه تدوین می‌کند. این مقاله این مسئله را بررسی می‌کند که آیا سیاست‌های اقتصاد خانواده در ایران در خدمت استحکام و پایداری خانواده بوده است یا خیر؟ در این راستا با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، محتوای این سیاست‌ها بررسی شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد، بسیاری از جنبه‌های اقتصاد خانواده در سیاست‌ها مغفول مانده و به برخی دیگر توجه کافی مبذول نشده است. از طرفی، اصول و ماهیت اسلامی خانواده و حفظ استحکام و پایداری آن برای سیاست‌گذار مهم بوده و در سیاست‌ها به آن اشاره شده است و گاه نیز بدون توجه به این اصول، ناخواسته سیاست‌هایی را تدوین کرده که می‌توان آن را دنباله‌روی از الگوهای توسعه دانست. در واقع به نظر می‌رسد، سیاست‌گذاران پشتیبانی نظری منسجمی در تدوین سیاست‌های اقتصاد خانواده در ایران ندارند.

واژگان کلیدی

اقتصاد خانواده، سیاست‌گذاری خانواده، تحلیل مضمون، خانواده‌ی اسلامی، دولت اسلامی.

*. دانشجوی دکتری دانشگاه علم و صنعت ایران (meshkatnoor85@gmail.com)

** . دانشیار دانشکده مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده‌ی مسئول)، (moini@just.ac.ir)

***. استادیار دانشکده مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران (rafiei.at@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۷

۱. مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ، خانواده واحدی اقتصادی بوده است که اعضای آن برای تأمین نیازهای معیشتی مشترک با یکدیگر همکاری می‌کرده‌اند. در جوامع صنعتی پیشرفته، خانواده کارکرد اقتصادی خود در تولید را تا حدود زیادی از دست داده و به‌صورت واحد مصرف کالاها و خدمات تبدیل شده است. در این جوامع، بسیاری از افراد ضرورتی احساس نمی‌کنند که برای تأمین نیازهای اقتصادی خود با اعضای دیگر خانواده همکاری داشته باشند، حتی ضرورتی نمی‌بینند که در خانواده‌ای زندگی کنند. همواره، خانواده کارکرد اقتصادی انتقال اموال و کالاهای مادی از نسلی به نسل بعد را انجام داده که به‌صورت کمک‌های مادی والدین به فرزندان در زمان حیات یا به‌صورت ارث بوده است. خانواده‌های جدید نیز، به‌رغم حصول تغییراتی در این زمینه، همچنان این نقش را ایفا می‌کنند. در نگاه منتقدان چپ، کارکردهای اقتصادی خانواده از دو جنبه اهمیت دارد؛ اول، به استفاده‌ی زنان از خانواده به‌منظور تأمین معیشت خود و دوم، به استفاده‌ی صاحبان سرمایه از نظام خانواده و کارهای خانگی زنان. امروزه، صاحب‌نظران فمینیست به سهم کار خانگی در مجموع تولید ناخالص ملی توجه می‌کنند. به‌نظر گیدنز^۱ کار بی‌مزد خانگی اهمیت زیادی برای اقتصاد جامعه دارد. برآورد شده است که کار خانگی بین ۲۵ تا ۴۰ درصد ثروت ایجادشده در کشورهای صنعتی را دربر می‌گیرد. کار خانگی با خدمات رایگان - که بسیاری از جمعیت شاغل به آن وابسته است - اقتصاد را تقویت می‌کند (بستان، ۱۳۸۳: ۱۰۶ - ۱۰۴).

تحولات ساختاری از جمله ساختارهای اقتصادی تأثیرات مهمی در خانواده داشته است. اگر در گذشته، نیازهای اصلی خانواده و مناسبات خانوادگی به مناسبات اجتماعی و ساختارهای اقتصادی را جهت می‌داد، امروزه، با حاکمیت سرمایه‌داری منطبق با مناسبات و حتی ساختار خانواده جهت می‌دهد و ارزش‌های خود را بر خانواده تحمیل می‌کند.

در نگاه اسلامی، خانواده بیشترین تأثیر و مسئولیت را در تربیت اعضای خود و جامعه دارد و محور روابط و مناسبات اجتماعی است. خانواده‌محوری در یک نگاه به‌معنای تقویت ارزش‌های خانوادگی در برابر تمایلات فردی و توانمندی خانواده در حل مسائل خود با تقویت آگاهی، مهارت و تقویت جایگاه تربیتی والدین است. در نگاهی دیگر، خانواده‌محوری بعدی کلان‌تر دارد و به‌معنای تقویت جایگاه خانواده در حل مشکلات اجتماعی و لزوم هماهنگی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی با مناسبات و ارزش‌های خانوادگی است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱: ب: ۱۶). در مقطع کنونی، تقابل نظام

سرمایه‌داری و نظام اسلامی به آخرین مراحل تاریخی خود رسیده است. نظام سرمایه‌داری می‌کوشد تا نظام معنایی و عقلانیت جدیدی را برای تحلیل جهان، ارزش‌گذاری‌ها و رفتارها طراحی کند و عقلانیت مدرن را تنها مسیر زیست سعادتمندانانه معرفی کند. در تقابل دو نظام، اگر شبکه‌ی معنایی و عقلانیت اسلامی در تمامی عرصه‌های حیات به‌ویژه خانه و خانواده و متن زندگی روزمره اجرا نشود، نظام اسلامی در این جنگ تاریخی شکست می‌خورد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱ الف: ۳۲۴). متون وحیانی چنین دلالت دارند که دین‌داری تنها در عرصه‌های عبادات و مناسک دینی خلاصه نمی‌شود و همه‌ی عرصه‌های حیات از جمله اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زندگی روزانه، صحنه خدایپرستی یا اطاعت از شیطان را شامل می‌شود. جهت‌گیری حاکم بر تربیت جسمی، روانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افراد باید یک جهت‌گیری واحد و در خدمت گسترش حاکمیت خداوند در زندگی بشر باشد. بنابراین عرصه‌های تربیت در زندگی بشر درهم تنیده‌اند و عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری با یکدیگر مرتبط و درهم مؤثرند. به همین دلیل فساد و تباهی در هریک از عرصه‌ها زمینه‌ی فساد در عرصه‌های دیگر را فراهم می‌کند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱ ب: ۱۶۷).

۸۳

در مورد خانواده و کنش‌های اقتصادی اجتماعی آن نیز می‌توان گفت که اگر خانواده در عرصه‌ی اقتصادی کنش‌های صحیحی نداشته باشد، در سایر جنبه‌های خانوادگی نیز اثر گذاشته و موجب بی‌ثباتی یا فروپاشی خانواده خواهد شد.

تئوری‌های اقتصاد خانواده در غرب هرگز خاستگاه طبیعی و فطری ازدواج و وحدت طبیعی بین زن و مرد را عامل اصلی پیوند و استحکام زناشویی تلقی نمی‌کنند. بسیاری از نظریات با غلبه‌ی نگاه فردگرایانه در خانواده طراحی شده و هرگز منافع و مصالح جمعی خانواده مد نظر نبوده است. علاوه بر این، هویت، ساختار و کارکردهای خانواده‌ی غربی با خانواده‌ی اسلامی - ایرانی متفاوت است و نمی‌توان روش‌هایی که در غرب برای زندگی اقتصادی خانواده‌ها توسعه داده شده در جامعه‌ی ایران به کار بست. در جوامع غربی، زن و خانواده و اهداف تربیتی آنها در خدمت توسعه‌ی اقتصادی و منفعت‌طلبی مادی است. فردمحوری شکل‌گیری نگرش خاصی به زن و خانواده را باعث شده است که در آن، به زن جدا از مفهوم خانواده توجه می‌شود. الگوهای ازدواج، طلاق، باروری و اشتغال در غرب همه بر این مدعا شاهده‌اند. هیچ‌کدام از تئوری‌های اقتصاد خانواده برای استحکام و پایداری خانواده طراحی نشده است. این نوع نگاه به زن و وظیفه‌ی اصلی او در رشد و تربیت فرزندان صالح و کارآمد در جامعه را هم خدشه‌دار کرده و توسعه‌ی مراکز پرورش و نگهداری کودک و وضع سیاست‌های دولتی برای حصول اهداف توسعه‌طلبانه را موجب شده است. در جامعه‌ی اسلامی، باید قابلیت‌ها و توانایی‌های زنان شکوفا شود و نگاه به زن و فعالیت‌های اقتصادی او، نگاهی معقول و

متناسب و برای رشد همه‌ی ابعاد شخصیتی و خانوادگی او و همچنین همسو با اهداف تعلیم و تربیت در جامعه باشد. در مقایسه با نگاه جامع و متعالی اسلام به خانواده و فعالیت‌های اقتصادی، نگاه مادی‌گرایانه‌ی صرف اقتصاددانان غربی، به هیچ‌وجه، جوابگوی نیازهای جوامع اسلامی نخواهد بود. در جمهوری اسلامی ایران، نیز بنابر اصل دهم قانون اساسی تمام قانونگذاری‌ها باید در خدمت استحکام و کارآمدی نظام خانواده باشد. به این معنا که تمام امور باید با الگوی خانواده‌گرایی طراحی و اجرا شوند. در این مقاله این مسئله بررسی می‌شود که آیا سیاست‌های اقتصاد خانواده در ایران در خدمت استحکام و پایداری خانواده قرار گرفته است یا خیر؟ در این راستا با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون الگوهای ضمنی این سیاست‌ها کشف، بررسی و تحلیل شده است.

۲. مبانی و چارچوب نظری

در این بخش مبانی نظری اقتصاد خانواده و همچنین سیاست‌گذاری خانواده مرور شده و نقدهای وارده بر این ادبیات با دیدگاه اسلامی و همچنین ماهیت خانواده در اسلام توضیح داده خواهد شد.

۲-۱. تعریف اقتصاد خانواده

یکی از موضوعات اصلی بحث و تحقیق در علوم اجتماعی که وارد تحلیل‌های اقتصادی شده، نهاد خانواده است. در واقع، خانواده اولین و اصیل‌ترین نهاد اجتماعی به‌شمار می‌آید (حاتمی، ۱۳۹۳: ۲) و بسترساز بسیاری از رفتارها و تصمیم‌سازی‌های انسان محسوب می‌شود. از این رو، خانواده و تحولات آن را می‌توان با استفاده از نظریه‌های اقتصادی مطالعه و بررسی کرد. بر این اساس، مجموعه تلاش‌هایی که اقتصاددانان در این راستا انجام داده‌اند، «اقتصاد خانواده^۱» نام گرفته است. در این چارچوب، خانواده یک واحد تصمیم‌گیری پیچیده است که در آن زوجین - با توجه به اهداف مختلف خود- امور مربوط به مصرف، اشتغال، باروری و... را هماهنگ و تنظیم می‌کنند (Browning, Chiappori, & Weiss, 2014: 1-5).

۲-۲. سیاست‌گذاری عمومی و مسئله‌ی خانواده

در تعریف سیاست‌گذاری عمومی^۲ ذکر شده است: «هرآنچه که حکومتی انتخاب می‌کند تا انجام بدهد یا انجام ندهد» (هاولت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱).

1. Family Economics

2. Public Policy

اما سیاست‌گذاری خانواده^۱ چه در عنوان و چه در محتوای خود موضوعی چالش‌برانگیز میان پژوهشگران علوم اجتماعی است، زیرا خانواده حریم خصوصی زندگی انسان مدرن و از طرف دیگر، مهم‌ترین نهاد اجتماعی سازنده شهروند سیاسی در میان اجتماع‌گرایان^۲ در نظر گرفته می‌شود. برخی تمایل دارند با طرح ابهاماتی چون چرایی لزوم دخالت دولت در رابطه با فرموله کردن خانواده و مدیریت زیست‌اجتماعی شهروندان این شاخه‌ی مطالعاتی را با دیده تردید بنگرند. با وجود این، با پشتوانه‌ی عقلانیت حمایتگر سرمایه و بازار و به دلیل درک اهمیت تعهدات خانواده^۳ در به حرکت درآوردن موتور اقتصاد، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران به جایگاه آن توجه کرده‌اند. سیاست خانواده را می‌توان به‌زعم کارن اشنايدر^۴ «مجموعه فعالیت‌های دولت که برای حمایت از خانواده و ارتقای سطح بهزیستی اعضای آن طراحی شده است»، تعریف کرد. وی سیاست را به دو دسته تقسیم می‌کند: دسته‌ی اول، سیاست‌های صریح^۵ که منظور آن سیاست‌هایی است که به‌طور مشخص تغییر وضعیت خانواده را نشانه گرفته‌اند. دسته‌ی دوم، سیاست‌های ضمنی^۶ هستند که منظور از آنها سیاست‌هایی است که هرچند به‌طور مشخص برای تأمین اهداف خانواده طراحی نشده‌اند، اما نتایج آنها، به‌طور ضمنی و غیرمستقیم، خانواده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در نتیجه، سیاست خانواده را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «عمده تصمیمات دولتی که به‌شکلی مستقیم یا غیرمستقیم در وضعیت بهزیستی خانواده اثر می‌گذارد.» (عموزاده‌مهدرجی، ۱۳۹۶: ۱۳۵).

مسئله‌ی سیاست‌گذاری خانواده و ورود دولت به مسئله‌ی خانواده از دیدگاه اسلامی و از دریچه‌ی تعلیم و تربیت نیز بایستی بررسی شود. در دیدگاه اسلامی، دولت ماهیت تربیتی دارد. برخلاف اندیشه‌ی مدرن که دولت را مأمور تأمین رفاه و آسایش مردم تلقی می‌کند، در نگاه مدرن، تربیت یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی پیشرفت جامعه در نظر گرفته می‌شود. از این‌رو، تعلیم و تربیت ذیل اهداف توسعه‌ی اقتصادی تعریف و براساس همان اهداف ارزشیابی می‌شود. در حالی که در نگاه اسلامی دولت تشکیلات هدایت جامعه تلقی می‌شود و دغدغه‌ی اصلی آن رهنمون کردن جامعه به سوی سعادت ابدی، خوشبختی و رفاه جاودانه است. از این‌رو ضروری است، دولت تمام منابع و شرایط لازم و فرصت‌های اجتماعی را برای انجام رسالت الهی خود، یعنی هدایت مردم و تربیت

1. Family Policy
2. Communitarianism
3. Family Engagement
4. Karen Schneider
5. Explicit
6. Implicit

نسل‌های تازه، ساماندهی کند. در این نگاه، دولت، به‌جای تمرکز بر برنامه‌های توسعه، برنامه‌هایی برای تکامل جامعه را تدوین می‌کند و به ایجاد زمینه‌های مناسب برای شکوفایی استعدادها، بروز آگاهی‌های ذاتی و گرایش‌های فطری افراد جامعه توجه می‌کند و درصدد یافتن الگویی برای تأمین شرایط لازم استعلای اخلاقی تمام مردم است. دولت حق دارد، تعلیم و تربیت را ساماندهی کند و نهادها، جریان‌های اجتماعی و همچنین منابع مالی را برای هدایت جامعه به‌کار گیرد و برای آن قانونگذاری کند. دولت اختیارات لازم برای هزینه‌کردن منابع، سازماندهی نیروها و حق قانونگذاری دارد و برای سرپرستی امر تعلیم و تربیت از همگان سزاوارتر است (علم‌الهدی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). همچنین، طبق نظریه‌ی سیاسی اسلام و بنابر اصل خلافت الهی، دولت اقتدار و مرجعیت دارد و قوانین و احکام آن - مشروط به سازگاری با اصول شریعت - مشروع تلقی می‌شود و پیروی از آنها ضروری است. ولی اصل امر به معروف مانع از انحصار دولتی تعلیم و تربیت می‌شود. برطبق این اصل، تمام افراد جامعه به‌خصوص عالمان دینی، متخصصان و اهل نظر، مصلحان اجتماعی و... لازم است به موضوع تربیت حساس باشند و به فراخور در آن مشارکت داشته باشند. بدین ترتیب، تعلیم و تربیت برای تمام آحاد جامعه یک تکلیف الهی است که با راهنمایی و کمک دولت انجام می‌شود و دولت برای تحقق این تکلیف بزرگ نه‌تنها به‌طور مستقیم برای هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت اقدام می‌کند و به تقسیم کار و جلب مشارکت خانواده می‌پردازد، همچنین قوانین مناسب را، برای نظارت و کنترل خانواده‌ها و اجبار آنها به انجام وظایف تربیتی خویش، تدوین می‌کند و ضمانت اجرا برای آنها تدارک می‌بیند. یعنی هر یک از دولت و خانواده دارای دو نوع نقش تربیتی هستند، نقش اول آنها شامل دخالت مستقیم و نقش دوم عبارت از نظارت‌دهی و جهت‌دهی به مشارکت تربیتی است (همان، ۱۱۲).

اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این منظور نقشه‌ی راه خانواده و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آن را به‌روشنی ترسیم کرده است: «زآنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی است، همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه‌ی حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

۲-۳. خانواده در اسلام

خانواده در اسلام برخلاف مکاتب غربی ماهیت طبیعی دارد و برخاسته از نیازهای فطری و طبیعی است. طبیعت زن و مرد را به منزله‌ی یک واحد آفریده، زندگی آنها را براساس وحدت

قرار داده و با عشق و محبت، مرد را آن‌چنان مسخر زن قرارداده است که تمام نیروهای مرد در خدمت زن نیز قرار می‌گیرد و در نتیجه، از آن می‌توانند مشترک استفاده کنند. بنابراین ابزار زندگی مرد، ابزار زندگی زن نیز هست و ابزار زندگی زن، ابزار زندگی مرد نیز هست. هر دو از مزایای زندگی با یکدیگر استفاده می‌کنند. این دو با هم ترکیب شده، در سعادت یکدیگر شریک می‌شوند. بلکه سعادت هر یک عین سعادت دیگری است. بنابراین هدف طبیعت از خلقت زن و مرد، یگانگی و وحدت طبیعی و حقیقی زن و مرد است و این دو با هم کامل می‌شوند (مطهری، ۱۳۹۶ الف: ۵، ج، ۹۵ ص).

تشکیل خانواده در اسلام بر مبنای مودت، رحمت و اخلاق بوده و این عناصر باید بتوانند فراتر از چارچوب‌های حقوقی مسائل خانوادگی را حل و فصل کنند. تفاوت صنفی زن و مرد مانند تفاوت اصناف دیگر از مردها با یکدیگر و نیز زن‌ها با همدیگر برای برقراری نظام احسن بر اساس تسخیر عادلانه متقابل است، نه تسخیر ظالمانه، جاهلانه یا یک‌جانبه (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

۲-۴. اقتصاد خانواده در اسلام

اسلام از زن و مرد خواسته که در چارچوب ازدواج و تشکیل خانواده کاملاً جذب یکدیگر شوند و در حالت جذب و انجذاب، خود همه‌ی مسائل خانواده را حل کنند. مسئله‌ی اقتصاد در محیط خانواده نیز باید از همین دیدگاه حل شود. در زندگی خانوادگی، زن و شوهر از یکدیگر ارث می‌برند. چنین قانونی نشان می‌دهد که زندگی مشترک در وضع اقتصادی زن و شوهر مؤثر است و هر کدام در مال دیگری شریک است و اگر پیوند زناشویی و آن هماهنگی‌ها، همفکری‌ها و تعاون‌ها نبود، وضع اقتصادی زن و مرد به گونه‌ی دیگری بود. تنها مرد نیست که در تشکیل سرمایه‌ی خانوادگی مؤثر است، بلکه زن نیز در حفظ آنچه مربوط به مرد است می‌تواند مؤثر باشد و به این علت، آیین مقدس اسلام مقرر می‌دارد که هم زن از شوهر ارث ببرد و هم شوهر از زن. زن، مالک اموال خویش و مرد نیز مالک اموال خویش است. تا وقتی زن و شوهر زنده‌اند، خود صاحب اختیار و مالک اندوخته‌ی خویش هستند، ولی زندگی اشتراکی خانوادگی اقتضا می‌کند که نه زن از مالکیت شخصی خود دم بزند و نه شوهر. آنها باید همان‌گونه که شریک عمر، غم و شادی یکدیگر شده‌اند، شریک اموال یکدیگر نیز باشند و در جمع خانواده «من» و «تو» حاکم نباشد، بلکه «ما» حاکم باشد. وقتی یک زن و مرد، در مسائل مالی این‌گونه با یکدیگر رفتار کنند و زن یک ناظر امین برای اندوخته‌ی شوهر - که همان اندوخته‌ی خانواده است - باشد و از آن پاسداری کند و «تو» و «من» بر محیط زندگی آنها حاکم نباشد، کانون خانواده آن‌چنان می‌شود که باید

باشد. در چنین خانواده‌ای، مرد با اطمینان خاطر به دنبال فعالیت‌های اقتصادی می‌رود و موفق می‌شود که بیشتر از حد نیاز خانواده کار کند و درآمد داشته باشد و درآمد اضافی را پس‌انداز کند (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۶۳ - ۱۶۲).

در محیط خانواده، وظیفه‌ی مرد است که از لحاظ اقتصادی، امکانات زندگی زن را فراهم کند و در مسیر مقدس همسری و مادری، او را یاری دهد و حتی توسعه بر خانواده، در نظام خانوادگی اسلام از چیزهایی است که توصیه و سفارش شده است. قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «وعلی المولود له رزقهن وکسوتهن بالمعروف» (بقره، ۲۳۳). قرآن، هنگام طرح مسئله‌ی تأمین نیاز اقتصادی همسر، به آن جنبه‌ی معروف می‌دهد. معروف، فعل و قول شناخته‌شده و پسندیده نزد عرف است که هم یک اصل فقهی و هم یک حکم اخلاقی محسوب می‌شود. در اصول فقهی، معروف، ملاکی برای تشخیص، ضابطه و میزانی برای تعیین حقوق و تکالیف و در اخلاق، معروف، توصیه به رعایت مسائل اخلاقی در عمل به تکالیف است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۸: ۸۱ - ۶۹). تعبیر دیگر قرآن کریم در مورد روابط اعضای خانواده با یکدیگر «شفقت^۱» است. اشفاق توجه آمیخته با ترس است. شفقت در خانواده مستلزم ارشاد، حسن معاشرت و فداکاری برای سعادت، رفاه و آسایش یکدیگر است (همان، ۸۴).

بنابراین از منظر اسلام در زندگی خانوادگی فقط مقررات خشک حاکم نیست. اشتراک، همفکری، همدردی، فداکاری و ایثار حاکم است. در محیط خانواده، زن بسیاری از مسئولیت‌ها را ایثارگرانه و عاشقانه انجام می‌دهد و در برابر آن انتظار پاداش مادی ندارد؛ ولی به‌طور حتم پاداش معنوی از طرف مرد و حتی جامعه را انتظار دارد (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۶۶ - ۱۵۵). اسلام نیز پاداش‌های معنوی برای این امر مقرر کرده، از جمله با معادل دانستن اجر خدمات خانگی با اجر جهاد در راه خدا، زنان را به این کار تشویق کرده است. با این حال از حیث حقوقی زن را از انجام دادن کار خانگی معاف دانسته و شوهر را حتی در شرایط بی‌نیازی مالی زن به پرداخت نفقه‌ی او ملزم کرده است. اما تأکید اسلام بر اهمیت نقش خانگی زن نباید به برداشت افراطی بینجامد. اسلام با بهره‌کشی از زنان مبارزه کرده است و استقلال اقتصادی زن از مسلمات قطعی اسلام است. از نظر اسلام، کار زن متعلق به خود او است. زن اگر مایل باشد کار خانه را مجانی و تبرعی انجام می‌دهد، در غیر این صورت، مرد حق ندارد او را مجبور کند (مطهری، ۱۳۹۶ ج: ۵۷). زن در اسلام آزادی و اراده‌ی کامل برای تعیین سرنوشت خویش را دارد و بنابر تصریح فقها می‌تواند، بسیاری از خواسته‌های

۱ «قالوا إنا كنا قبل فی أهلنا مشفقین» (طور، ۲۶). این آیه ترسیم یک مکالمه از اهل بهشت است که از سوابق یکدیگر می‌پرسند و درحقیقت، عامل خوشبختی یکدیگر را جوینا می‌شوند. آنان کلید بهشت را «شفقت» در خانواده دانسته‌اند.

خود از جمله فرصت تحصیل و اشتغال در خارج از منزل را در ضمن عقد نکاح شرط کند و شرط او نیز نافذ است (بستان، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

برای استوار ماندن زندگی خانوادگی درآمدهای مالی باید به‌دور از اسراف و سخت‌گیری و حتی برای اعضای خانواده در حد گشایش به‌مصرف برسد و پس از مرگ یکی از زوجین، باقیمانده‌ی اموال مطابق قانون ارث اسلام تقسیم شود و اگر پیوند خانوادگی با طلاق از هم گسیخت، لازم است به زحمات و فداکاری‌های زن توجه شود و فقط به پرداختن مهریه و نفقه‌ی ایام عده‌ی طلاق اکتفا نشود، زیرا ارزش صمیمانه‌ی زحمات زن در خانه فراتر از ارزش مادی آن است. اگر صفا و صمیمیت به‌طور کامل و دوجانبه بر محیط خانواده حاکم باشد، سخن از ارزش مادی آن سزاوار نیست و حتی مقام مادر و همسر را تنزل می‌دهد؛ در غیر این صورت باید همه‌چیز به حساب آید. همین مسئله در مورد فرزندان نیز مطرح است. فرزندان نیز به فراخور در محیط خانه خدماتی را انجام می‌دهند و بر این اساس، اسلام پس از مرگ یکی از زوجین، سهم هرکسی را از اموال باقیمانده‌ی خانواده مشخص کرده است (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۶۴ - ۱۶۳).

۸۹

اسلام با مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های دیگر به توسعه و تثبیت کارکرد حمایت معیشتی خانواده کمک کرده است. با صرف نظر از احکام گسترده‌ی ارث، والدین و فرزندان به‌طور متقابل افراد واجب‌النفقة معرفی شده‌اند. بدین معنا که تأمین هزینه‌های زندگی فرزندان در صورت نیازمندی برعهده‌ی پدر (یا جد پدری) و با فقدان وی برعهده‌ی مادر و تأمین هزینه‌های زندگی والدین در صورت نیازمندی برعهده‌ی فرزندان است. حتی اجبار و الزام قانونی در این مورد پیش‌بینی شده است. تأکید فراوان بر ارزش‌هایی مانند احسان به والدین و خویشاوندان، تعاون بر کارهای نیک و صله‌ی ارحام - در معنای وسیع آن که شامل انواع کمک‌ها نیز می‌شود - ابعاد دیگر عنایت اسلام به این کارکرد است. همچنین در برخی روایات نیز به‌طور خاص بر اهمیت نقش حمایتی خویشاوندان تأکید شده است (بستان، ۱۳۹۰: ۱۲۷ - ۱۲۶).

۲-۵. نقد مبانی و مفروضات اقتصاد خانواده

با مفروض گرفتن مبانی اسلامی و عملکرد کنشگران در خانواده‌ی طراز اسلامی می‌توان ادبیات اقتصاد خانواده را ارزیابی و نقد کرد. در ادامه، جنبه‌های مختلف آن مطرح می‌شود.

مبنای نظریات اقتصاد خانواده به نقش نیروی انسانی در رشد و توسعه‌ی اقتصادی توجه کرده است. در یک کلام، خانواده و جامعه محصول تربیت ذیل اهداف اقتصادی است (علم‌الهدی، ۱۳۸۹: ۴۲۰ - ۴۱۸). این تفکر برخلاف نظریات اسلامی است که تعلیم و تربیت را در بالاترین رده‌ی اجتماعی

قرار می‌دهد و آن را فلسفه‌ی تشکیل اجتماع معرفی می‌کند. تعلیم و تربیت بنیاد تشکیل خانواده و از مبادی تکوین جامعه است. در این صورت تربیت باید تعیین‌کننده‌ی نهادهایی مانند خانواده و اقتصاد باشد، نه در ذیل آنها (همان: ۲۶۴). در واقع، فلسفه‌ی کنش اعضای خانواده در امور مختلف اقتصادی تعلیم و تربیت بوده است که تضمین‌کننده‌ی رشد، پیشرفت و ارتقای آنها به درجات بالاتر هستی خواهد بود.

اساس پیوند زوجین در اقتصاد خانواده‌ی متعارف منحصر به طمع، شراکت و همکاری زن و مرد به منظور استخدام متقابل و دستیابی به سود و منفعت حاصل از زندگی مشترک است. در حالی که اساس خانواده در اسلام مودت، رحمت، وحدت عاطفی و فداکاری برای یکدیگر است و نه شرکت (حکمت‌نیا، ۱۳۸۸: ۸۲). در خلقت و طبیعت علاوه بر خودخواهی و منفعت‌طلبی علائق دیگری هم هست، آن علائق ناشی از خودخواهی نیست و از علاقه‌ی مستقیم به غیر ناشی می‌شود، آن علائق منشأ فداکاری، گذشت، رنج خود و راحت دیگری را خواستن است، نمایش‌دهنده‌ی انسانیت انسان است (مطهری، ۱۳۹۶ ب: ۱۶۹). روشن است که مزایای ازدواج و خانواده در حالت وحدت و یگانگی زن و شوهر در حالت‌هایی همچون شراکت زن و شوهر هرگز به دست نمی‌آید. وقتی که اساس خانواده مودت و رحمت باشد، کنش‌های اقتصادی در سایه‌ی همین محبت و عطاوت خانوادگی سامان می‌یابد و نه محاسبات فقط منفعت‌طلبانه. زن و شوهر فقط به سود خود فکر نمی‌کنند، بلکه ازدواج به آنها کمک می‌کند تا از خود فردی بیرون آیند و به دیگری بیندیشند و در واقع من فردی توسعه می‌یابد و به من خانوادگی تبدیل می‌شود (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۶۵ - ۱۶۳).

ازدواج و تشکیل خانواده بستری برای رسیدن به آرامش^۱ و پله‌ای برای رشد ابعاد فطری انسان است. از ظرفی اقتصاد نیز هدف اصلی زندگی نیست و وسیله‌ای برای امرار معاش و مایه‌ی قوام و دوام خانواده به منظور انجام امور مهم‌تر دنیوی و اخروی است. وقتی که در زندگی خانوادگی، اقتصاد هدف قرار گرفته و زن و شوهر نگاه ابزاری و استخدام‌گرانه به یکدیگر داشته باشند، هرگز نمی‌توانند مایه‌ی امنیت و آرامش یکدیگر باشند، بدین ترتیب، مهم‌ترین کارکرد خانواده (یعنی آرامش بخشی به اعضا که در هیچ‌جا غیر از خانواده نمی‌توان آن را جستجو کرد) حاصل نخواهد شد. در نظریات متعارف، اهداف خانواده‌ها یکسان در نظر گرفته شده، در صورتی که اهداف زندگی خانوادگی برای هر خانواده‌ای منحصر به فرد است. همان‌طور که انسان‌ها از منظر تشخیص درست هدف به گونه‌ی واحدی نیستند (رفیعی‌آثانی، ۱۳۹۶: ۱۶۱)، گستره‌ی خانواده‌ها نیز از کسانی آغاز

۱. «ومن آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها وجعل بینکم مودةً ورحمةً إن فی ذلک لآیات لقم یفتکرون» (روم، ۲۱)

می‌شود که هدف خود را ارضای طبیعیات و غرایز حیوانی قرار داده و یا کسانی که به ازدواج به چشم استخدام‌گری و بهره‌کشی از دیگران می‌نگرند و تا کسانی امتداد می‌یابد که جز مهر و عطوفت، بیگانگی و وحدت با همسر هدفی را دنبال نمی‌کنند. پس هرگز نمی‌توان نسخه‌ی واحدی برای خانواده پیچید و باید اصل ذومراتب‌بودن خانواده‌ها را پذیرفت.

داعیه‌ی زن و مرد برای ازدواج فقط مسائل، منافع و شراکت اقتصادی نیست و آن‌گونه که برخی می‌پندارند منحصر به مسئله‌ی غریزه‌ی جنسی نمی‌شود. بلکه ازدواج و تشکیل خانواده مانند سایر تصمیمات انسان معلول همه‌ی انگیزه‌های غریزی و فطری اوست.^۱ کنش‌های اقتصادی خانواده نیز چون فقط با انگیزه‌ی اقتصادی و منفعت‌طلبی انجام نمی‌شوند و به‌منظور بیشینه‌کردن همه‌ی گرایشات و تمایلات فطری هستند، به‌طور قطع ابعاد خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما در ادبیات اقتصاد خانواده‌ی متعارف، خانواده‌هایی مطرح شده‌اند که نمی‌توانند وجود خارجی داشته باشند، زیرا انسان‌هایی بدون خصوصیات فطری هستند، آنها مانند افرادی که در بازار در حال خرید و فروش‌اند، رفتار می‌کنند. اقتصاددانان نئوکلاسیک مانند گری بکر خانواده را کنش‌گرهای عقلایی - اقتصادی تعریف می‌کنند که به دنبال بیشینه‌سازی خوشبختی^۲ خود با تخصیص زمان و پول هستند. نظریه‌ی اقتصاد خانواده به پیروی از جریان عام اندیشه‌ی غربی هیچ جایگاهی برای مفاهیمی همچون طبیعت، غریزه و فطرت در تبیین‌های خود در نظر نگرفته است. فقط اشاره‌ای مبهم به نیازهای اولیه فردی می‌کند. بی‌آنکه ماهیت این نیازها و جایگاه آنها در ساختمان نظریه تبیین شود. از این‌رو، در این نظریه مفاهیمی همچون عقلانیت و اراده‌ی فردی مفاهیم پایه در تبیین کنش و پدیده‌های اجتماعی هستند که - با قطع نظر از جنبه‌ی فطری این امور - بر آنها تأکید می‌شود و به‌طور خاص عقلانیت ابزاری معطوف به بیشترین سود شخصی مبنای انسان‌شناختی مفروض در نظر گرفته می‌شود (بستان، ۱۳۹۲: ۵۷).

۱. برخلاف فروض اقتصاد متعارف که منفعت مادی را تنها انگیزه‌ی رفتار انسان می‌داند، در فلسفه اسلامی، نفس و روح آدمی یک کل واحد و تجزیه‌ناپذیر بوده و همه‌ی رفتارهای آدمی محصول تلاش آدمی برای تحقق تجزیه‌ناپذیر همه‌ی اهداف اوست. بنابراین هیچ انسانی وجود ندارد که یک رفتار یا کنش اجتماعی را فقط به‌منظور حداکثرسازی منفعت مادی انجام دهد. بلکه او این رفتار را برای تحقق همه‌ی اهدافش انجام خواهد داد. بنابراین اعمال و رفتار آدمیان علاوه بر آنکه محصول محاسبات عقلانی و تأثیرات اجتماعی در راستای تحقق حداکثری همه‌ی تمایلات فطری - بدون امکان منطقی جداسازی آنها - محصول شاکله و شخصیتی است که ساخته‌ی نوع تجربه زندگی آنهاست. در این چارچوب نظری، تحقق همه‌ی گرایش‌های فطری انسان هدف او را می‌سازد و این موضوع خود را در تحقق تمایلات فطری به‌صورت «افزون‌تر کمی» و «عالی‌تر کیفی» نشان می‌دهد (رفیعی‌آنانی، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

خانواده به مفهوم سنتی و متعارف آن در این نظریات اصالت ندارد. چراکه دستاوردهای آن در انواع قالب‌های جدید هم می‌تواند به‌دست می‌آید و زناشویی ممکن است، در خارج از چارچوب رسمی و شرعی خانواده در قالب هم‌باشی^۱ وجود داشته باشد.

هرگز فرزندان همچون کالاهای مصرفی نیستند که والدین آنها را مصرف کنند، بلکه آنها با گذشت زمان بالغ شده و مصرف‌کننده و تولیدکننده با حقوق خاص خود می‌شوند. اقتصاد نئوکلاسیک بر خوشبختی خانواده‌ها تأکید می‌کند که تابعی از مصرف کالاها، خدمات و همچنین اوقات بیکاری است. اقتصاددانان نهادگرا نیز توجه ویژه‌ای به برآوردن نیازهای اساسی مانند غذا و امنیت دارند. برخی هم بر اندازه‌گیری ابعاد انسانی و قابلیت‌ها مانند سلامتی و دسترسی به تحصیلات تأکید دارند. در هر صورت هر دو اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرا بر نیازهای مصرفی فرزندان تأکید دارند. در رویکرد اسلامی فرزندان باید عامل رشد والدین در ابعاد مادی و معنوی بوده و خود نیز دارای تعلیم و تربیت مناسب، موجبات رشد و پیشرفت خانواده و جامعه را در آینده فراهم آورند. در جدول زیر، خلاصه‌ای از ارزیابی تحلیلی - نظری در برخی جنبه‌های اقتصاد خانواده‌ی متعارف و اقتصاد خانواده در اسلام مقایسه شده است.

جدول ۱. مقایسه‌ی اقتصاد خانواده‌ی متعارف و اقتصاد خانواده در اسلام

معیار ارزیابی انتقادی	اقتصاد خانواده متعارف	اقتصاد خانواده در اسلام
فلسفه‌ی وجودی خانواده	در موارد شکست بازار و مزیت‌های ذاتی در نظارت، کنترل و...	تعلیم و تربیت
ماهیت خانواده	قراردادی و اعتباری	ماهیتی طبیعی - قراردادی (قراردادی و اعتباری محض نیست)
اساس پیوند زوجین	شراکت زن و شوهر، استخدام و منفعت‌طلبی، طمع و سود بیشتر مادی	وحدت و یگانگی زن و شوهر، مودت و رحمت
اهداف خانواده	اهداف مادی و ثابت برای همه خانواده‌ها	منحصر بودن اهداف هر خانواده باتوجه به تمایلات فطری، ذومراتب بودن اهداف خانواده از اهداف مادی تا اهداف الهی
کارکردهای خانواده	بیشینه سازی خوشبختی و منفعت مادی اعضای خانواده و پرورش نیروی انسانی به‌منظور رشد و توسعه اقتصادی در جامعه	آرامش‌بخشی به اعضا (از جمله امنیت و آرامش اقتصادی)، رشد توأمان مادی و معنوی اعضای خانواده و پیشرفت جامعه، وحدت اقتصادی خانواده، قوام اقتصادی و تدوام زندگی خانوادگی، حمایت مالی و عاطفی از اعضای ناتوان خانواده (کودکان، سالمندان و...)

1. Cohabitation Family

معیار ارزیابی انتقادی	اقتصاد خانواده متعارف	اقتصاد خانواده در اسلام
مبنای کنش افراد	اراده‌ی فردی و عقلانیت ابزاری معطوف به حداکثر سود شخصی	تحقق بهینه‌ی توأمان غرایز و تمایلات فطری با در نظر گرفتن اهداف خانواده و جامعه
اصول حاکم بر اقتصاد خانواده	حداکثر تمتع و بهره‌کشی	عمل به معروف، مودت و رحمت و شفقت
جایگاه فرزندان	در نقش کالای عمومی، ذخیره‌ی سرمایه انسانی و اقتصادی جامعه و هم‌چنین عامل خوشبختی و بهزیستی خانواده	عامل رشد مادی و معنوی خانواده و جامعه در حال و آینده

۳. روش‌شناسی پژوهش

سیاست‌گذاری فرایندی است که از مسئله‌شناسی و روند تدوین و تصویب سیاست تا اجرا و ارزیابی را دربر می‌گیرد. پارسونز^۱ انواع تحلیل سیاست را بر روی طیفی از آگاهی در فرایند سیاست‌گذاری، آگاهی برای سیاست‌گذاری و آگاهی در مورد سیاست‌گذاری دسته‌بندی می‌کند (پارسونز، ۱۳۸۵: ج ۱، ص. ۹۰). هریک از این عناوین شامل مراحل از تحلیل سیاست است. یک جزء از این طیف که در این پژوهش مد نظر است، تحلیل محتوای سیاست است که به‌لحاظ فهم رویکردها و هنجارهای حاکم بر سیاست انجام می‌شود. در این پژوهش، واحد تحلیل «مضمون سیاست» است.

از آنجایی که این پژوهش در پی کشف الگوهای ضمنی سیاست‌گذاران و قانونگذاران در تدوین سیاست‌های اقتصاد خانواده بوده، تحلیل مضمون^۲ بیش از هر روش دیگری مناسب این تحقیق خواهد بود. دستور کار این پژوهش فقط سیاست‌های صریح اقتصاد خانواده هستند.

تحلیل مضمون یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی و روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (عابدی‌جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). تحلیل مضمون، فقط روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی، تحلیل مضمون، روشی برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات به‌ظاهر نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده‌ی نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است

1. Parsons
2. Thematic Analysis

(Boyatzis, 1998: 4).

در تحلیل مضمون، واحد تحلیل بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آنها بیشتر توجه می‌شود و از شمارش کلمات و عبارات آشکار فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند؛ سپس، از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود و می‌توان از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه‌ی آنها و تهیه‌ی ماتریس مضامین و ترسیم شبکه‌ی مضامین استفاده کرد (عابدی‌جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و بیشتر جنبه‌هایی از پدیده را تفسیر می‌کند (Boyatzis, 1998:4).

ابزارهای این روش تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه‌ی مضامین است که به‌طور معمول در تحلیل مضمون به‌کار می‌روند. قالب مضامین فهرستی از مضامین را به‌صورت سلسله‌مراتبی بازگو می‌کند. آنچه شبکه‌ی مضامین عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه‌ی مضامین، براساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی) دربرگیرنده‌ی اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه‌ی تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود (عابدی‌جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰ - ۱۶۵).

بر اساس مباحث مطرح شده مهم‌ترین سؤال این پژوهش عبارت است از: آیا سیاست‌های اقتصاد خانواده مطالبه‌ی اصلی قانون اساسی (قرارگرفتن قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها در خدمت استحکام و پایداری خانواده) را تأمین می‌کند؟

۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، برای مرحله‌ی تلخیص از نرم‌افزار MAXQDA بهره‌برده شد. داده‌های تحلیل‌شده از سیاست‌های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوانین مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی استخراج شد. در ادامه، فهرست اسنادی که داده‌ها از آن استخراج شده‌اند، ذکر می‌شود:

الف. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

- سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۱/۵/۲۰)؛
- سیاست‌های بهبود وضع گذراندن اوقات فراغت زنان و دختران (۱۳۸۱/۱۲/۲۰)؛

- منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان (۱۳۸۳/۶/۳۱)؛
- اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (۱۳۸۴/۴/۷)؛
- سیاست‌های ارتقای مشارکت زنان در آموزش عالی (۱۳۸۴/۷/۲۶)؛
- سیاست‌های و راهبردهای ارتقای سلامت زنان (۱۳۸۶/۸/۸)؛
- طرح اصلاح الگوی مصرف در خانواده (۱۳۸۸/۹/۳)؛
- نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۱/۱۲/۱۵).

ب. سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری

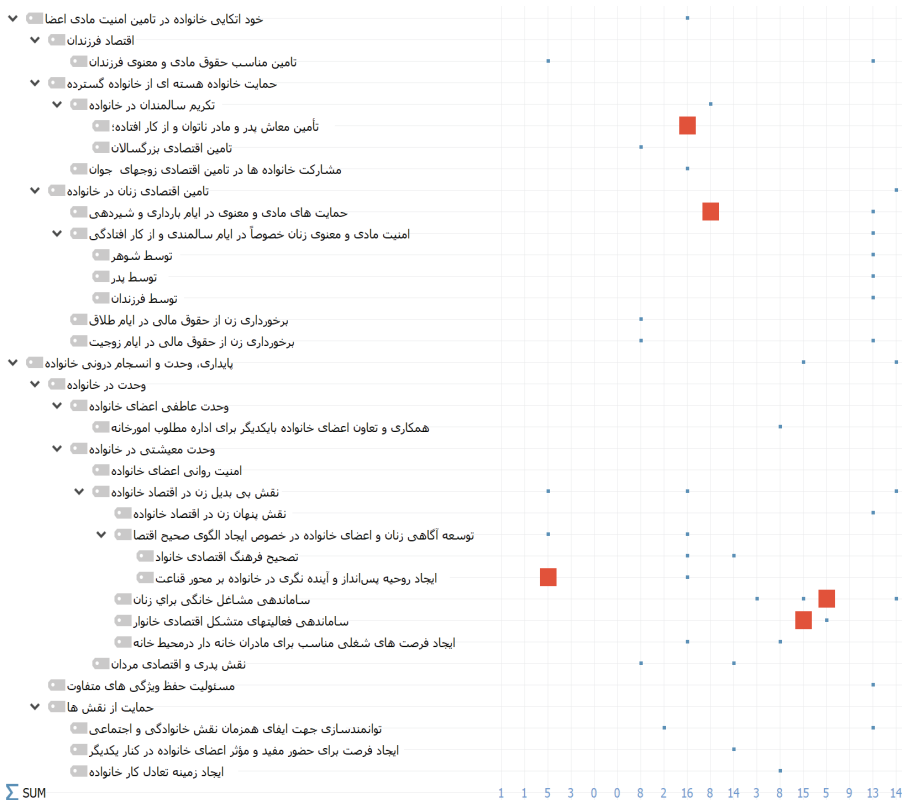
- سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳/۱/۳۰)؛
- سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵/۶/۱۳).

ج. مصوبات مجلس شورای اسلامی

- قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (۱۳۷۱/۸/۲۴)؛
- برنامه‌ی سوم توسعه (۱۳۷۹/۱/۱۷)؛
- برنامه‌ی چهارم توسعه (۱۳۸۳/۶/۱۱)؛
- برنامه‌ی پنجم توسعه (۱۳۸۹/۱۰/۵)؛
- برنامه‌ی ششم توسعه (۱۳۹۴/۴/۹).

سپس با دسته‌بندی تم‌ها، مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر به‌دست آمدند که در شبکه‌ی مضامین به‌تصویر کشیده‌شده است. مضمون اول، تم مرکزی مقاله است. مضمون دوم، تم‌های اصلی، مضمون سوم، تم‌های فرعی و مضمون آخر، تم‌های اولیه‌ی پژوهش را دربر می‌گیرد. اندازه‌ی مربع‌ها فراوانی نسبی کدها را در اسناد و متون نشان می‌دهد. در فرایند تحلیل تم‌ها، محقق، برای دستیابی به حساسیت نظری، مفاهیمی را در نظر گرفته که در راستای پاسخ به پرسش پژوهش ارزش تحلیلی بیشتری دارند.

Code System	
ارتقا معیشت و اقتصاد خانواده	
تامل اقتصادی دولت و خانواده	
تکریم و ارزشگذاری زن، خانه و خانواده	
احیاء حقوق مادی و معنوی زن	
نقش زن در خانواده به عنوان شغل اصلی	
لحاظ ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کارآنان در خانه	
مقررات و تسهیلات لازم، به مناسب "شغل مادرانه"	
بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار	
تاکید بر الگوهای توسعه	
تاکید بر ایجاد غیر خانوادگی حیات اجتماعی اقتصادی	
توسعه مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی	
ایجاد زمینه‌های مناسب برای بهره‌وری اقتصادی از اوقات فراغت زنان	
بروز شخصیت اجتماعی زن	
گفت‌وگو اشتغال زنان	
شرایط ولولیز تحقق عدالت اجتماعی و تعالی جامعه	
ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار	
ارتقاء توانمندیهای زنان مدیر و نخبه	
توسعه کار شایسته	
دستیابی به فرصتهای شغلی مناسب	
برابری فرصتها برای زنان و مردان	
توسعه پایدار و متوازن زندگی زنان	
رویکرد عدالت جنسیتی	
تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده	
سرمایه انسانی زنان	
ارتقاء کیفیت زندگی زنان	
توانمندسازی خانواده در تأمین هزینه‌های زندگی	
توانمندسازی جوانان، زنان	
توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار	
ارتقای مهارتهای شغلی زنان	
تأمین شرایط برای تشکیل خانواده و رشد باروری	
زمینه‌سازی جهت افزایش نرخ باروری	
ترویج دیدگاه‌های صحیح اجتماع در خصوص تقلیل هزینه‌های ازدواج	
تعدیل توقعات و کاهش تشریفات	
زمینه‌سازی مناسب جهت تسهیل و کاهش میانگین سن ازدواج	
کاهش دغدغه‌های آینده آنها درباره اشتغال، ازدواج و مسکن	
نظام تأمین مسکن	
حمایت اقتصادی از خانواده‌های خاص و کم درآمد	
شناسایی کودکان و خانواده‌های نیازمند	
تشویق و تسهیل ازدواج آنان	
تأمین شغل زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست	
بیمه و خدمات اجتماعی زنان خودسرپرست و بدسرپرست	
تسهیلات تأمین مسکن زنان سرپرست خانوار	

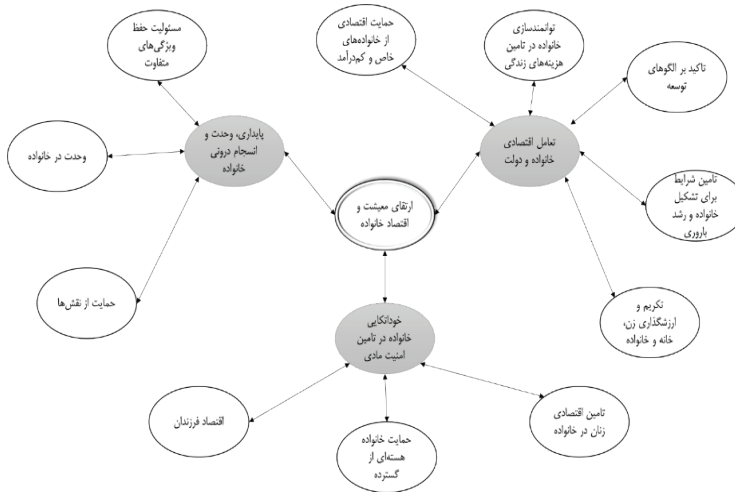


شکل ۱. مضامین پژوهش

در این پژوهش، کدگذاری در یک مرحله با مطالعه سطر به سطر سیاست‌ها و به صورت دستی انجام شد و در مرحله دیگر کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA12 انجام شد. سپس، نتایج این دو کدگذاری با یکدیگر مقایسه و از روش هولستی برای محاسبه پایایی استفاده شد (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۹)، که فرمول آن عبارت است از:

$$PAO = \frac{2M}{n1 + n2} = 2 * \frac{118}{125 + 127} = 0.93$$

که در آن PAO درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی)، M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، n1 تعداد واحدهای کدگذاشته در مرحله اول و n2 تعداد واحدهای کدگذاشته در مرحله دوم است. این رقم بین صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است. بدین ترتیب، ضریب پایایی تحقیق ۹۳ درصد به دست آمد. شبکه‌ی مضامین پژوهش در شکل ۲ نشان داده شده است:



شکل ۲. شبکه‌ی مضامین پژوهش

باتوجه به آنچه در این شبکه آمده است، مضامین سازمان‌دهنده‌ی پژوهش عبارت‌اند از:

- پایداری، وحدت و انسجام درونی خانواده؛
- خودتکایی خانواده در تأمین امنیت مادی؛
- تعامل اقتصادی خانواده و دولت.

بدین ترتیب، قانونگذار برای ارتقای معیشت و اقتصاد خانوار ابزارها و راه‌های مختلفی را برگزیده است. از ظرفی اصول و ماهیت اسلامی خانواده و حفظ استحکام و پایداری آن برای او مهم بوده و در سیاست‌ها به آن اشاره کرده است و گاه نیز بدون توجه به این اصول، ناخواسته سیاست‌هایی را تدوین کرده که می‌توان آن را دنباله‌روی الگوهای توسعه دانست. در ادامه، هر کدام از این مضامین سازمان‌دهنده بررسی خواهد شد.

۴-۱. پایداری، وحدت و انسجام درونی خانواده

این مضمون فراگیر را می‌توان اصول حاکم بر سیاست‌گذاری اقتصادی خانواده دانست. هر اقدام و کنش اقتصادی اعضای خانواده نباید برای منفعت فردی و بایستی برای مصالح جمعی خانواده باشد. حمایت از نقش‌های اقتصادی زن و مرد با در نظر گرفتن پشتوانه‌ی طبیعی این نقش‌ها و مسئولیت حفظ وحدت در خانواده از موارد توجه‌شده‌ی سیاست‌گذار بوده است. در واقع می‌توان گفت، هرگونه نقش فردی، خانوادگی و اجتماعی زن و مرد باید با رعایت تقدم نقش‌های خانوادگی و مسئولیت حفظ ویژگی‌های زنانه یا مردانه باشد. در واقع، خانواده باید به‌گونه‌ای کنش‌های خود

را تنظیم کند که به تعبیر شهید مطهری زن با حفظ طراوت و لطافت خود نقطه‌ی اتکای روحی مرد و مرد نیز با حفظ اقتدار و قوامیت خود، نقطه‌ی اتکای مالی زن و خانواده باقی بماند. در ظاهر، سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی به این موضوعات تأکید داشته، اما گاهی، در مورد تدوین سایر سیاست‌ها غفلت‌هایی کرده‌اند.

۴-۲. تعامل اقتصادی خانواده و دولت

دولت نقش مهمی در ترویج گفتمان‌ها و هدایت مطالبات عمومی برعهده دارد. اینکه چه موضوعاتی در دستور کار سیاست‌گذاران جامعه قرار می‌گیرد و چگونه برای آن تصمیم‌گیری می‌کنند، به تدریج، افکار عمومی را در مورد آن موضوع شکل می‌دهد. در اینجا، مضمون سازمان‌دهنده «تکریم و ارزش‌گذاری زن، خانه و خانواده» از نقاط قوت سیاست‌هاست. سایر سیاست‌ها مانند توانمندسازی خانواده در تأمین هزینه‌های زندگی، تأمین شرایط برای تشکیل خانواده و رشد باروری، حمایت اقتصادی از خانواده‌های خاص و کم‌درآمد، جزو وظایف و موارد لازم در این بخش بوده اما کافی به نظر نمی‌رسد.

نکته‌ی مهم این است که پیش‌فرض سیاست‌گذار در طراحی سیاست‌ها این بوده که همه‌ی خانواده‌ها با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و در این راستا راهکارهایی برای افزایش نرخ ازدواج و باروری داده که محدود به راهکارهای اقتصادی و نظام تأمین مسکن، کاهش هزینه و... بوده است. در واقع، خانواده‌ها برای دولت و در عرصه‌های اقتصادی منفعل و فقط بهره‌بردار در نظر گرفته شده‌اند؛ با آنکه خانواده اگر تقویت شود خود می‌تواند به کنشگر فعال اقتصادی - اجتماعی تبدیل شود. درست است که بیشتر جامعه مشکلات اقتصادی دارند، اما بالاخره درصدی از جامعه را نیز خانواده‌های توانگر اقتصادی تشکیل می‌دهند که دولت برای آنها هیچ برنامه‌ای تنظیم نکرده است و حتی در این خانواده‌ها نیز نرخ ازدواج و باروری کم است که به یقین دلایل غیراقتصادی دارد. دولت، علاوه بر توجه به دلایل غیراقتصادی ازدواج و خانواده و لزوم در نظر گرفتن این عوامل در سیاست‌گذاری خانواده، باید برنامه‌ی هدایتی برای این قشر از خانواده‌ها تنظیم کند. برای مثال، تشویق به تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی و هدایت منابع مالی به سمت امور خیریه یا سرمایه‌گذاری در تولید و راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی.

همان‌طور که ذکر شد، هرگز نمی‌توان هدف ثابتی برای همه‌ی خانواده‌ها در نظر گرفت و خانواده‌ها برحسب اهدافی که دنبال می‌کنند، ذومراتب‌اند. بدین ترتیب، باید دولت ذومراتبی را تعریف کند که برای هر سطح از خانواده برنامه‌ی مناسبی تنظیم کرده باشد. برای مثال، در

مواردی که خانواده‌ها در بحران و نابسامانی اقتصادی به سر می‌برند، دولت باید حمایت و کمک مستقیم خود را به ایشان عرضه کند. در این موارد، خانواده فقط مخاطب برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصاد است (دولت مداخله‌گر و خانواده‌ی آسیب‌پذیر). اگر خانواده رشد کند و خود به کنشگر فعال اقتصادی تبدیل شود، نقش دولت به تدریج کمرنگ می‌شود و فقط حمایت می‌کند و در موارد لازم، خانواده را به سمت توانمندسازی اعضا سوق می‌دهد (دولت مکمل و حامی، خانواده‌ی فعال اقتصادی) و در سطوح بالاتر، دولت فقط ناظر است (دولت ناظر، خانواده‌ی هدایتگر و ناظر) و در مواردی نقش دولت حذف شده و این خانواده است که کنشگر اصلی و مطالبه‌گر در عرصه‌ی اقتصاد است در این صورت است که خانواده ثمرات و خدمات خود را به عالی‌ترین نحو ممکن به جامعه عرضه می‌کند.

به نظر می‌رسد، مضمون فراگیر پایداری، وحدت و انسجام درونی خانواده به خوبی در این بخش بازتاب نیافته است. سیاست‌های اقتصادی علاوه بر کمک به قوام اقتصادی خانواده باید وحدت و یگانگی در خانواده را نیز ارتقا دهند و این شاید اصلی‌ترین تفاوت سیاست‌گذاری اقتصادی خانواده در اسلام باشد. سیاست‌گذاران اقتصادی خانواده، گاه ابعاد غیر خانوادگی زیستی، اجتماعی و اقتصادی برایشان مهم‌تر بوده و بدون در نظر گرفتن ملاحظات و جوانب، به توصیه‌های سیاستی اقدام کرده‌اند. گفتمان توسعه‌ی پایدار، ارتقای کیفیت زندگی زنان، دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب و برابری فرصت برای زنان و مردان شواهدی بر این ادعا هستند. استفاده از عبارت «بهره‌وری اقتصادی از اوقات فراغت زنان» در سیاست‌ها نیز بسیار تأمل برانگیز است، چراکه همان مفهوم توسعه‌ی یک‌جانبه در آن نهفته است و گویی سیاست‌گذار با نگاه اقتصادی و بهره‌ورانه و طمع‌برانگیز حضور زنان را در فعالیت‌های اقتصادی تشویق می‌کند. اگرچه حق فطری زنان است که توانایی‌ها و استعداد‌های خود را شناسایی و در مسیر شکوفایی آنها قدم بردارند و جامعه به وجود آنها نیازمند است و اسلام نیز هرگز نمی‌خواهد زنان مهمل و مصرفی بار بیابند (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۲ ج، ۴۱۶ ص)، اما این امور باید با نگاه تربیتی و در چارچوب خانواده‌گرایی مطرح شود. استفاده از اصطلاحاتی مانند «ارتقای کیفیت زندگی زنان» ممکن است در نگاه اول منطقی و عاقلانه به نظر برسد، اما با ملاحظه‌ای عمیق‌تر می‌توان دریافت این اصطلاح با مفهوم دینی «کمال و سعادت» زنان بسیار فاصله دارد و قانونگذار می‌توانست از مفهوم دوم استفاده کند. ارتقای کیفیت بیشتر به جنبه‌های زندگی مادی، تعاملات و حضور اجتماعی زنان اشاره دارد، اما کمال و سعادت یک مفهوم متعالی و چندجانبه است که همه‌ی ابعاد زندگی خانوادگی و غیر خانوادگی را دربر دارد. سیاست‌گذاری اقتصادی زنان باید در فضای رشد خانوادگی باشد و فقط جنبه‌ی شخصی نداشته

باشد. مفهوم «زن» و «مرد» را نباید جدای از مفهوم «خانواده» دانست و برای آن برنامه‌ریزی کرد. اگر زن و مرد از لحاظ اقتصادی رشد کرده‌اند، اما پیوندهای خانوادگی تضعیف شده، نشان می‌دهد، دولت اسلامی به‌خوبی عمل نکرده و این خانواده که باید در همه‌ی عرصه‌ها به جامعه خدمت کند، کارکردهای مناسبی نخواهد داشت.

بسیاری از مضامین پایه در این بخش - مانند «اشتغال زنان» - در فضای خانواده‌گرایی و کمک و همیاری زنان به اقتصاد خانواده، یا احساس مسئولیت زنان در قبال مسائل اقتصادی - اجتماعی جامعه، مطرح می‌شود. در واقع، باید گفت در سیاست‌گذاری اقتصادی بایستی خانواده و رشد و بالندگی آن محور باشد و نه رشد اقتصادی یا تأمین منافع شخصی. با این نگاه، اقتصاد در خدمت خانواده خواهد بود. اما الگوهای توسعه، خانواده‌ی سالم که منشأ تمام خیرات و برکات است را به‌منظور منافع خود به کار گرفته و این آسیب بزرگی به خانواده خواهد زد.

۴-۳. خوداتکایی خانواده در تأمین امنیت مادی

به‌نظر می‌رسد، در درجه‌ی اول سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که خانواده کمترین وابستگی را به دولت داشته باشد و خود بتواند به‌تنهایی با حمایت خانوادگی هسته‌ای یا خویشاوندان مشکلات اقتصادی خود را حل کند. بدین ترتیب، معیشت و اقتصاد وابستگی اعضای خانواده به یکدیگر را تشدید کرده و این خود از عوامل استحکام و پایداری خانواده محسوب می‌شود. بنابراین نباید سیاست‌ها به وابستگی خانواده به نهادهای بیرونی منجر شود. البته زمانی که خانواده در حل مشکلات خود ناتوان بماند، مسئولیت حمایت و کمک بر عهده‌ی دیگران از جمله نهادها قرار خواهد گرفت و لازم است همواره حس تعاون و همیاری در جامعه‌ی اسلامی جریان یابد، حمایت مادی و معنوی از فرزندان، حمایت خانوادگی هسته‌ای از خانواده‌ی گسترده و حمایت از زنان - قشر آسیب‌پذیر اقتصادی در خانواده - از جمله این موارد است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌نظر می‌رسد، سیاست‌گذاران چارچوب نظری و ذهنی منسجمی در تدوین سیاست‌ها نداشته‌اند. بسیاری از جنبه‌های اقتصاد خانواده مغفول مانده و به برخی دیگر به‌اندازه‌ی کافی توجه نشده است. برای نمونه، نقش مکمل و مؤثر زن در اقتصاد خانواده آن‌چنان که است مهم جلوه داده نشده است. زنان در اقتصاد بیش از نیروی کار و بهره‌وری اقتصادی نقش مهمی در تنظیم روابط اقتصادی خانواده دارند. همراهی زن با مرد در دخل و خرج خانواده، مدیریت بحران‌های اقتصادی خانواده، تربیت اقتصادی فرزندان، تخصیص مناسب هزینه‌ها، اصلاح الگوی مصرف خانواده و پرهیز

از تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی از جمله این موارد است. در واقع، بدون همراهی زنان در خانواده، اقتصاد خانواده و جامعه سامان نخواهد یافت. از نکات مغفول دیگر در سیاست‌ها، تنظیم مشاغل و ساعات اشتغال اعضای خانواده است به طوری که همه‌ی افراد خانواده از لذت‌بودن در خانواده‌ی سالم بهره‌مند شوند و وقت کافی برای رسیدگی به امور یکدیگر و حل مشکلات اجتماعی و خانوادگی داشته باشند. چراکه توجه بیش از حد به مسائل اقتصادی ممکن است به این جنبه‌ی مهم از خانواده ضربه بزند. لازم به ذکر است، به این موضوع در اصل چهارم قانون اساسی نیز اشاره شده است که البته در مورد مسائل خانوادگی نیز مصداق خواهد داشت.^۱

دو جنبه‌ی دیگر که اشاره‌ای مختصر در سیاست‌ها به آن شده اما به‌طور گسترده اهمیت داده نشده، بحث اقتصاد فرزندان و همچنین اقتصاد خویشاوندان است. در مورد فرزندان باید برنامه‌ها طوری سازماندهی شود که علاوه بر حفظ شأن و رعایت حقوق مادی و معنوی هر فرزند، امکان رشد نرخ باروری نیز در بلندمدت فراهم شود و خانواده‌ها فقط با تأکید بر مسائل اقتصادی به تنظیم باروری و فرزندآوری اقدام نکنند. علاوه بر این، بحث تعلیم و پرورش فرزندان به‌منظور ایفای نقش مناسب اقتصادی در جامعه (برای مثال، پرورش خلاقیت و کارآفرین بارآوردن فرزندان) از جمله موارد مغفول مانده است. از طرفی باتوجه به توصیه‌های اکید دین مبین اسلام به صله‌ی ارحام و تقویت پیوندهای خویشاوندی، باید در وهله‌ی اول، سیاست‌گذاری‌ها به سمت حمایت مادی و معنوی از اعضای ناتوان و نیازمند با کمک افراد خویشاوند سوق داده شود و در مراحل بعدی، حمایت‌های مستقیم دولتی انجام شود.

نکته‌ی مهم دیگر اینکه به‌نظر می‌رسد، در تنظیم سیاست‌ها بیشتر به نقش مداخله‌گری یا حمایتی دولت توجه شده است. سیاست‌های اندکی با هدف هدایتگری و نظارت دولت تدوین شده است. سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که پاسخگوی نیازهای خانواده در هر سطحی باشد. دولت باید بتواند با نگاه تربیتی و جامع برنامه‌ی رشد و بالندگی هر خانواده‌ای را مطرح کند. باید در سیاست‌گذاری و قانونگذاری به تنوع خانواده‌های ایرانی توجه شود و باید ضمن پاسداشت اصول ثابت و مشترک، برنامه‌ها و سیاست‌های خاصی برای خانواده‌های هر طبقه‌ی اجتماعی طراحی کرد. در جامعه‌ی ایران، ممکن است، سیاست‌هایی پراکنده در خصوص اقتصاد خانواده تنظیم شده باشد، اما هیچ‌گاه این سیاست‌ها یک مبنای نظری نداشته‌اند. در این میان نقش دولت می‌تواند از

۱. تنظیم برنامه‌ی اقتصادی کشور به‌صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. (اصل چهارم قانون اساسی، بند سوم)

مداخله‌گر و متصدی مستقیم امور تا حمایت‌گر و فقط هدایت‌کننده تعریف شود.

منابع

- ◀ بستان، حسین، ۱۳۹۰. جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ بستان، حسین، ۱۳۹۲. نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ بستان، حسین، ۱۳۸۳. اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ بهشتی، احمد، ۱۳۷۷. خانواده در قرآن، قم: بوستان کتاب.
- ◀ پارسونز، واین، ۱۳۸۵. مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ◀ جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۹. زن در آینه جمال و جلال، قم: اسراء.
- ◀ حاتمی، علی، ۱۳۹۳. «خانواده در آثار جامعه‌شناسان شرق و غرب»، نقد کتاب، ۱ (۳ و ۴).
- ◀ حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۸۸. فلسفه حقوق خانواده، تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- ◀ رفیعی‌آتانی، عطاءالله، ۱۳۹۶. واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چارچوب فلسفه اسلامی نظریه‌ای بنیادین در علوم انسانی، تهران: آفتاب توسعه.
- ◀ زیبایی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۹۱ الف. تحلیلی بر مهم‌ترین مسائل زن و خانواده در ایران (بیانیه‌های مرکز تحقیقات زن و خانواده)، قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
- ◀ زیبایی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۹۱ ب. جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی، قم: هاجر (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان).
- ◀ طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۹. تفسیر المیزان، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، جلد ۲.
- ◀ عابدی‌جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخزاده، ۱۳۹۰. «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۲).
- ◀ علم‌الهدی، جمیله، ۱۳۸۸. «مناسبات تربیتی خانواده و دولت»، خانواده‌پژوهی، ۵ (۱۷).
- ◀ علم‌الهدی، جمیله، ۱۳۸۹. نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ◀ عموزاده‌مه‌دی‌رجی، حنیف، ۱۳۹۶. «سیاست‌گذاری خانواده و تغییرات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران»، سیاست‌گذاری عمومی، ۳ (۱).
- ◀ مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰. تعلیم و تربیت در اسلام، قم: صدرا.
- ◀ مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶ الف. یادداشت‌های استاد مطهری، قم: صدرا، جلد ۵.
- ◀ مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶ ب. نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا.

- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶ ج. مسئله حجاب، قم: صدرا.
- ◀ هاوالت، مایکل، ام رامش و آنتونب پرل، ۱۳۹۴. مطالعه خط‌مشی عمومی: چرخه‌های خط‌مشی و زیرنظام‌های خط‌مشی، مترجمان عباس منوریان، ابراهیم گلشن، تهران: کتاب مهربان.
- Boyatzis, Richard E, 1998. *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Browning, Martin, Pierre-André Chiappori & Yoram Weiss, 2014. *Economics of the Family*, New York; Cambridge: Cambridge University.